

امام خمینی (ره) و بیداری اسلامی

حسین مظاهری

کارشناس امور فرهنگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان سامان

چکیده

امروزه گروه‌های اسلامی از فعال‌ترین جریان‌های سیاسی جهان به شمار می‌روند. این گروه‌ها معتقدند که جهان و جهانی شدن ارتباط تنگاتنگی با مذاهب دارد. از این رو اهمیت و نفوذ فزاینده‌ی اندیشه‌ها و نهادهای مذهبی آشکارا در سراسر جهان دیده می‌شود، به گونه‌ای که سال ۱۹۹۲ میلادی را سال بیداری اسلامی خوانده‌اند.

شروع بیداری اسلامی را میتوان همزمان با بعثت پیامبر بزرگوار اسلام و ظهور و گسترش دین اسلام دانست و بعد از پیامبر هم‌اژه هدی علیهم السلام و در زمان غیبت، علما و رهبران مذهبی در بیداری مردم در مقابل ظلم و ستم حکام نقش اساسی داشته‌اند و از جمله در عصر حاضر، حضرت امام خمینی (ره) نقش اصلی در آگاهی مردم و بیدار ساختن آنان در مقابل ظلم و ستم حکومت شاهنشاهی ایفا نمودند و هم‌اکنون نیز مقام معظم رهبری در بیانات خود به طور مداوم بر بیداری مردم و به پا خاستن در مقابل فاسد تاکید نموده‌اند در این مقاله، ضمن تعریف واژه بیداری اسلامی، تاریخچه و عوامل آن، نقش حضرت امام خمینی در بیداری اسلامی، مولفه‌ها و موانع آن از دیدگاه ایشان بررسی شده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی، بیداری اسلامی، مؤلفه‌ها، موانع

مقدمه

در روزگار ما، مسلمانانی در کشورهای مختلف اسلامی، فریادهای خشمگین خودشان را علیه سلطه داخلی و خارجی به گوش جهانیان می‌رسانند و در عین حال، بر شعائر اسلامی و قوانین آن تاکید دارند حتی در برخی از آنها که به مرحله انتقال قدرت رسیده‌اند؛ ابتناء مدیریت جامعه بر شعائر اسلامی و مفاهیم قرآنی، رسماً اعلام گردیده است و این به معنای حصول همان آگاهی و بیداری است که به انتخاب انجامیده است.

اگر بخواهیم با نگاهی همه جانبه به چشم اندازهای آینده امت اسلامی بنگریم باید بدانیم که این چشم اندازهای آینده در گرو بیداری اسلامی معاصر و توسعه و رشد تمدنی آن می‌باشد. (عدنان بن عبدالله، ۱۳۸۶: ۴). اما آنچه مسلم است این است که بیداری مرهون عوامل مختلفی است که مهمترین آن رهبران مذهبی و سیاسی می‌باشند که با بیانات و رهنمودهای خود توانسته‌اند در دوران مختلف باعث آگاهی و بیداری مسلمانان در مقابل ظلم و جور حاکمان ظالم شده و مردم را به قیام بر علیه آنان بر انگیزانند از جمله در قرن حاضر حضرت امام خمینی (ره) با تاثیر گذاری بر مسلمانان از جنبه‌ی دینی و اسلامی توانست انقلاب اسلامی مردم ایران را به پیروزی رسانده و همین انقلاب، خود توانست بر بیداری اسلامی مردم سایر کشورها موثر واقع شود.

در این مقاله که با عنوان امام خمینی (ره) و بیداری اسلامی تدوین یافته، بیانات و رهنمودهای ایشان پیرامون بیداری اسلامی ارائه شده است، اما قبل از آن لازم است تا واژه بیداری اسلامی توضیح داده شود، لذا ابتدا تعریف این واژه بیان شده، سپس تاریخچه آن و در نهایت نقش حضرت امام خمینی (ره) در بیداری اسلامی، مؤلفه‌ها و موانع آن از دیدگاه ایشان ارائه شده است.

تعریف بیداری اسلامی

بیداری، ضد خواب است و در معنای فعال شدن هوش «آگاهی» به کار می‌رود. بنابراین بیداری اسلامی به مفهوم ظهور اسلام ناب و پاک در انسان و جامعه است. بر این اساس، حیات برین از دین به دست می‌آید و تنها از دین، قابل دریافت است، زیرا خداوند به انسان و جهان حیات بخشیده است و پیامبرش ما را به آنچه زنده می‌کند فرا می‌خواند. بنابراین، بیداری اسلامی به مفهوم زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است.

به بیان دیگر، در معنای تجدید حیات اسلام به کار می‌رود که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه‌ی آموزه‌ها و ارزش‌های متعال، بار دیگر زنده می‌شود یا حیات می‌یابد. احیای اسلامی نوعی اصلاح‌گری دینی است، البته نه آن اصلاح دینی که در غرب رخ داده است؛ زیرا در اصلاح دینی به معنای غربی، دین به گونه‌ای دستخوش تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد که دیگر جامعه دینی نمی‌شود، بلکه دین با زمانه پیش می‌رود. در نتیجه، دین از عرصه حیات اجتماعی خارج می‌شود، ولی بیداری و احیای اسلامی، زنده داشتن انسان و حیات اجتماعی بر مبنای دین و به شیوه‌ی دینی است. به همین دلیل، غبار از سیمای دین زدوده و صورت و سیرت دین آشکار می‌شود که در نتیجه‌ی این اقدام، دین به عرصه حیات آدمی باز می‌گردد. به بیان دیگر، بیداری اسلامی مهجوریت زدایی از دین یا باز پیرایی و واخوانی گزاره‌ها و آموزه‌های اسلامی از اجمال و ابهاماتی است که بر سیمای دین نشست است. از این رو، می‌توان گفت اگر خواب، برادر مرگ است، بیداری دست در آغوش زندگی دارد (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹: ۳۵۹).

بیداری اسلامی بر خلاف تنوع گرایش‌ها و زیر مجموعه‌های متفاوت، منادی پیام واحدی در تاریخ بدین مضمون است «ما دوباره گذشتیم تا دین را به عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان بازگردانیم. این احساس و خود آگاهی، ترکیبی از دو حالت شرمندگی و قصد بازگشت به ارزش‌های ناب و راستین گذشته است، شرمندگی در برابر عزتی که خداوند به مومنین وعده داده است و امروز مسلمانان از آن بی بهره‌اند و بازگشت به اسلام به این معنا که عقب ماندگی ما ناشی از دور شدن از اسلام است. بنابراین، اگر بخواهیم دو عنصر شرمندگی و بازگشت را در یک عبارت خلاصه کنیم، باید گفت معنا و پیام بیداری اسلامی، این است که به اسلام ناب بازگردیم تا عزت گذشته خویش را باز یابیم یا عزت بر باد رفته خود را به دست آوریم (شیرودی، ۱۳۸۸: ۵).

همانگونه که از معنای بیداری اسلامی آشکار است، مراد از کلمه بازگشت، سیر ارتجاعی و معکوس در تاریخ نیست؛ یعنی مراد از بازگشت، بازگشت به گذشته سیاه و سیر قهقرایی در تاریخ نخواهد بود، بلکه منظور، بازگشت به اسلام و توبه از به کنار نهادن اسلام و جبران عمل نکردن به دین نبوی است. به عبارتی، بیداری اسلامی یعنی از آنجا که ما در عقیده، اخلاق و عمل اجتماعی، از مفاهیم و ارزش های اسلامی بسیار فاصله گرفته ایم؛ باید هر آنچه در توان است به کار گیریم تا کوتاهی های چند قرن اخیر را جبران سازیم. هدف از این بازگشت ساختن یک تمدن جدید اسلامی با به کار گیری ارزش های خالص اسلامی و تجربه انسانی تمدن بشری است. از این رو، هدف نهضت بیداری اسلامی، تشکیل یک تمدن محمدی جهانی است که در آن عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع شود (همان منبع: ۵-۶).

تاریخچه بیداری اسلامی

بر اساس آنچه بیان شد، آشکار است که پدیده بیداری اسلامی چیز جدیدی نیست، البته در دهه های اخیر به دلایل گوناگونی مثل مورد استعمار قرار گرفتن جامعه اسلامی از سوی غرب، بیداری اسلامی توسعه یافته است. با توضیح تاریخ بیداری اسلامی، هم می توان به ریشه های تاریخی آن پی برد، و هم عوامل توسعه آن را دریافت.

ظهور اسلام تحولی عظیم در تاریخ بشریت آفرید، به گونه ای که مرزهای نژادی، جغرافیایی و قومی را در نوردید و بر پایه کلمه الله جوامع مختلف را به یکدیگر نزدیک ساخت و در میان اقوامی که نه بهره ای از فرهنگ و تمدن آن زمان برده بودند و نه قدرت مادی داشتند، قدرت مادی و معنوی شگرف و شگفتی به وجود آورد که هم عزت دنیوی آنها را فراهم ساخت و هم آنان را به اوج معنویت رساند. به بیان دیگر، در شرایطی که هم تمدن یونان در اوج شهرت خود بود و هم قدرت هایی مانند امپراطوری ایران و روم، ابر قدرت های زمان بودند، اسلام ظهور کرد و پس از شکست آن دو قدرت بزرگ، به سرعت در جغرافیایی زمین گسترش یافت، به گونه ای که دیری نپایید بخش بزرگی از دنیای آن زمان را در اختیار گرفت. البته این گسترش تنها ارضی و مرزی نبود، بلکه دنیای فکر و اندیشه اسلامی نیز به موازات قدرت نظامی و اقتصادی جهان اسلام توسعه یافت و این درست زمانی اتفاق افتاد که اروپای آن زمان رو به افول می گرایید (همان منبع: ۶-۷).

فرهنگ و تمدن اسلامی همچنان در حال گسترش بود و حتی زمانی که تمدن اسلامی در اوج شهرت خود قرار گرفت، تمدن غرب در خواب فرو رفت، به گونه ای که که بعدها غربی ها آن دوران را عصر تاریکی در غرب نام نهادند؛ زیرا آنان در برابر اسلام، چیزی برای عرضه داشتن به جهان بشریت نداشتند. جنگهای صلیبی نیز که در طول دو قرن نتوانست آنچه را که از نظر نظامی مدنظر داشت، به دست آورد سبب آشنایی تدریجی غربیان با فرهنگ و ادبیات و پیشرفت های فکری جهان اسلام شد و زمینه ی بیداری آنان را فراهم ساخت به همین دلیل، دوره ی رنسانس، پشت سر گذاشتن عصر تاریکی و آغاز دوره ای بود که به آن عصر روشنایی یا روشنگری گفته اند. بدین ترتیب، غربیان تحت تاثیر جهان اسلام و با الگو گیری از آن، کم کم توانستند پیشرفتهای شگفتی در قرن های هفده، هجده و نوزدهم به وجود آورند (ولایتی، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

در این دوران، جهان اسلام رفته رفته تحت دو عامل به خواب فرو رفت و از افکار و اندیشه های ناب اسلامی دور ماند؛ نخست، استعمار و استثمار غرب در این منطقه مهم جغرافیایی و فکری و دیگر، استبداد و انحراف حاکمان مسلمان.

این دو عامل، آسیب مهلکی بر پیکر جهان اسلام آورد که در جنگ جهانی اول به اوج خود رسید؛ زیرا امپراطوری عثمانی که در مواردی تکیه گاه مسلمانان به شمار می آمد، عمدتاً به همان دو دلیل مهم منقرض شد. از این رو، تهاجم حیرت آوری از لحاظ نظامی و فکری از سوی غرب بر جهان اسلام آغاز شد، به گونه ای که از خود بیگانه شدند، اسلام را عامل عقب ماندگی دانستند و در نتیجه در پی آن بودند که شاید با الگو گرفتن از غرب بتوانند عقب ماندگی خود را جبران کنند. البته در این دوران، کسانی هم بودند که با هوشیاری و درک عمیق از اوضاع و شرایط به این نتیجه دست یافتند که دلیل عقب افتادگی و به خواب رفتن جهان اسلام، از اسلام نیست، بلکه بدان دلیل است که مسلمانان از اسلام دور شدند و از اندیشه های اسلامی فاصله گرفتند. در این میان شخصیت های همچون سید جمال الدین اسد آبادی، سید قطب و حسن البنا، تلاش های بسیاری کردند تا مسلمانان را از خواب سنگین، بیدار و به آنها بفهمانند که علت شکست و عقب افتادگی آنها چیست و چه باید کرد (همان منبع: ۲۱۷).

آخرین ضربه اساسی جهان غرب بر جهان اسلام، شکل دادن و تحمیل صهیونیسم بود که بذر آن، در سرزمین مقدس فلسطین کاشته شد. در این زمان، آرنولد توین بی ۱، تاریخ نگار معروف انگلیسی در کتاب تمدن در بوته آزمایش، در بررسی تمدنها جمله بسیار مهم و تاریخی زیر را بیان داشت:

«پان اسلامیزم خوابیده است، اما اگر مستضعفین جهان بر ضد سلطه غرب شورش کنند و تحت یک رهبری قرار گیرند، این خفته، بیدار خواهد شد و بانگ این شورش ممکن است در برانگیختن روح نظامی اسلام موثر افتد و اسلام بار دیگر برای ایفای نقش تاریخی خود قیام کند» (شیرودی، ۱۳۸۸: ۸).

پیش بینی توین بی در ۱۹۷۹ میلادی، با انقلاب اسلامی ایران که انفجار نور بود همراه گشت، انقلابی که با دست خالی و با تکیه بر شعار الله اکبر و بازگشت به ارزش های اسلامی در مقابل همه ی قدرت های بزرگ و ابر قدرت ها ایستاد و توانست نه تنها نقطه عطفی در تاریخ تحولات ایران، بلکه نقطه عطفی در جهان اسلام و بلکه در کل تاریخ بشری به شمار آید. با این حرکت، آن خفته بیدار شد و به سرعت در سراسر جهان اسلام گسترش یافت. از این رو، هنوز دو سالی از انقلاب نگذشته بود که در لبنان، عده ای جوان با ایمان، پنج قدت بزرگ آن مکان را که در آن کشور پایگاه داشتند، یعنی آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و اسرائیل را به زانو در آوردند و بدون دادن کوچک ترین امتیازی، آنها را وادار به فرار ساختند. در افغانستان، امپراطوری انگلیس و روسیه به زانو در آمدند و شکست آمریکا نیز نزدیک است. در ترکیه، الجزایر و دیگر کشورهای اسلامی، تنها بانگی که امروز به گوش می رسد، ندای اسلام است و در فلسطین اشغالی، انتفاضه، امان را از صهیونیسم و امپریالیسم گرفته است. بنابراین، باید گفت: اگر آمریکا امروز به فکر تداوم اشغال عراق است، هدفش ضربه زدن به بیداری و آگاهی اسلامی است. ولی مسلمان ها بیدار شده اند و بر پایه سه اصل مهم، کار بزرگ خویش را آغاز کرده اند، یکی، با بازگشت به اسلام ناب که صدر صد اسلام توانست بر قدرت های بزرگ آن زمان غلبه یابد، دوم، وحدت جهان اسلام است که امپریالیسم و استعمار، سالیان دراز کوشید با تکیه بر اصولی همچون «تفرقه بینداز و حکومت کن» میان فرقه های مختلف اسلامی فاصله بیشتری بیندازد، سوم، استکبار ستیزی و مقابله با کفر و الحاد طاغوت و طاغوتیان زمان است. این حرکت به یقین به پیروزی اسلام و شکست استکبار ختم خواهد شد. (همان منبع: ۸-۹).

عوامل بیداری اسلامی

بیداری اسلامی پدیده ای اجتماعی است که در معنای بازگشت، بیداری و هوشیاری امت اسلامی است تا به خود آوری رسیده و به دین و کرامت، استقلال سیاسی، اقتصادی و فکری خود مباحثات کرده و در راستای ایفای نقش طبیعی خود به عنوان بهترین امت برای مردم تلاش کند. این بیداری فرخنده عوامل و ریشه های تاریخی دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. عوامل درونی

برخورداری امت اسلامی از عناصر تمدنی گنجینه های فرهنگی و فکری و آراء اجتهادی تکامل یافته ای است که در قالب دین مبین اسلام تبلور یافته اند. دینی که با بر گرفتن ارزش ها، افکار، عقیده، شریعت و اخلاق در ابعاد دنیوی و اخروی، از دیگر ادیان متمایز است (عدنان بن عبدالله، ۱۳۸۶: ۴).

دین اسلام مشکلات روانی، جسمانی، دنیوی و اخروی انسان را حل کرده است به طوری که انسان مسلمانی که سلوک و نحوه زندگی او برگرفته از اسلام است در آرامش و آسایش به سر می برد. اسلام با تربیت درونی انسان و ایفای نقش در حفظ انسان از بیماری های اخلاقی و رفتاری و کسب فضائل و صفات نیکو و تقویت ارتباط با خدا و توکل بر او و ایجاد انسجام در روابط اجتماعی، چشم انداز های کلی اخلاق را برای وی ترسیم می نماید. همچنین اسلام با احیای بعد معنوی در انسان، از وی فردی اجتماعی می سازد که می تواند در تربیت جامعه مشارکت جوید. اسلام توانسته تمام نیازهای انسانی را پوشش دهد و نقش طبیعی او را در جانشینی خدا در زمین به وی عطا کند. این بعد سرنوشت ساز انسان که اسلام برای فرد و جامعه چه در بعد

¹ - Arnold tuin.b

جهان بینی و چه در بعد تشریح و قانونگذاری تکامل یافته و چه در بعد اخلاق نیک، منادی آن بوده، سرآغازی برای بیداری اسلامی گردیده است (همان منبع).

۲. عوامل بیرونی

امت اسلامی در گرداب تمدن مادی وارد شده از شرق و غرب گرفتار شده و مورد تهاجم فکری قرار گرفته است که فرو کش کردن اسلام از صحنه، بر اثر عوامل متعدد و برای مدت زمان طولانی و عدم حضور رهبری امت دار، پرداختن حاکمان مسلمان به امور شخصی وضع روحیه امر به معروف . نهی از منکر، خود در این فرایند سهیم بوده اند. چرا که این عوامل و شعارهای فریبنده ای که استعمارگران در مورد آزاد ساختن و پیشرفته کردن مسلمانان سر می دادند و هم زمانی این شعارها با پیشرفت تکنولوژی ای که استعمارگران به عنوان دلیلی برای اثبات پیشرفت تمدنی خود بدان استناد می نمودند، همه و همه موجب دو چندان شدن جهل و نادانی امت نسبت به حقیقت اسلام گردیده اند. این ضعف، نادانی و آمیختگی بین تمدن، فرهنگ و علم منجر شد به این که امت اسلامی تحت سیطره ی تمدن جدید قرار گیرد، تا جایی که نویسندگان و روشنفکران مسلمان نیز فریفته آن شده و برای آن به نظریه پردازی پرداختند. بعد از مدتی نه چندان کوتاه سرپوشها کنار رفته و چهره ی دروغین تمدن معاصر و کذب داعیان آن بر ملاء شد و بعد از مصیبت ها و بحران هایی که دامن گیر امت اسلامی شده بود (تازه به خود آمد و) احساس کرد مغلوب و مورد استثمار قدرت هایی قرار گرفته که ثروت ها و امکانات آن را به غارت برده اند و برای امت اسلامی روشن شد که همگان می خواهند منافع آن را ربوده و آن را استعمار کنند و به ذلت بکشانند و از ارزش ها، عقیده و فکر اسلامی اش دور سازند (همان منبع).

همانطور که روشن شد برخورد تمدن کنونی، درگیری بر سر منافع است که مسلمانان به جز شکست و پس رفت نصیبی از آن نبرده اند. این حقایق چشم (بصیرت) بسیاری از قربانیان مغلوب این قدرتها را گشوده و آنان را به سوی یافتن یک نجات دهنده سوق داده است. در نتیجه بعضی از علما و اندیشمندان اصلاح گر به مقابله با این تهدیدها و برخورد تمدنی معاصر پرداختند (همان منبع).

پیامد عکس العمل های ناشی از برخورد تمدنی و درگیری شدید میان اسلام و تمدن ماتریالیستی در مقابله با سلطه فکری و سیطره ی بیگانگان به نام اسلام و احساس مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در راه خدا، سرآغاز دیگری برای بیداری اسلامی در عصر حاضر شده است و از عوامل بیرونی بیداری اسلامی می توان به برخورد تمدن های نوین جهت سیطره بر جهان سوم و نتایج تلخی که از این درگیریها عاید بشریت شده و ستم آشکارا و صریحی که از آن رنج برده است اشاره کرد (همان منبع).

در این شرایط ملتها به این فکر افتادند که انتقام کرامت از دست رفته خود را گرفته و وحدت فکری، سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند، باشد که بتوانند جایگزینی بیابند تا ایشان را از تجارب (تلخ و) تاریکی که زیر سلطه قدرت های مستکبری که شعار تمدن و پیشرفت سر می دادند، برهاند، پس ملت های مسلمان، اسلام را بزرگ ترین نجات دهنده و آرمان خود یافتند و بر آن شدند که انتقام اسلام را از دشمنانش بگیرند و به دفاع از آن و مطالبه آن برخیزند و نیز انتقام کرامت از دست رفته خود تحت سلطه بیگانه را بگیرند. از این روی در جای جای قلمرو اسلامی شاهد انقلاب هایی هستیم که خواستار آزادی، استقلال و بنای تمدن اسلامی در سرزمین های اسلامی هستند. این بود برخی از عوامل پیدایش بیداری اسلامی (همان منبع).

امام خمینی و بیداری اسلامی

همان گونه که قبلا گفته شد، عامل اصلی آگاهی و بیداری مردم در برابر ستم های زورگویان و سلطه گران، رهبران مذهبی بوده اند و از گذشته های دور تاکنون رهبران مذهبی با سخنرانی ها و بیانات خود مردم را به مقابله با سلطه استعمارگران دعوت نموده اند در دوره معاصر این نقش خطیر را حضرت امام خمینی (ره) بر عهده داشتند که از سال ۱۳۴۲ تا زمان پیروزی انقلاب و بعد از آن تا پایان دوران حیات شریفشان مردم را به مقابله با استعمارگران و ظالمان و دفاع از مظلومان دعوت نموده

اند. در اینجا برحسب موضوع مقاله، نقش حضرت امام خمینی (ره) در بیداری اسلامی و مؤلفه‌ها و موانع آن از دیدگاه ایشان بیان می‌شود.

۱- نقش حضرت امام (ره) در بیداری اسلامی

مطالعه و بررسی خیزش و بیداری اسلامی - جهانی علیه نظام سلطه، بدون بررسی و در نظر گرفتن افکار رهبران انقلاب اسلامی به خصوص امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، بی‌فایده خواهد بود زیرا که منادی بیداری و تحول فردی - اجتماعی در نیم قرن اخیر بنا به اذعان تمامی دوستان و دشمنان انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) بوده است. این تحول، به تمامی ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و ... تأثیرگذار بوده است. از سویی، تغییر نگرش نسبت به اسلام و چگونگی تأثیرگذاری آن بر خیزش علیه نظام سلطه، به باز تعریف جامعی از اسلام اصیل بر می‌گردد. روندی که با اندیشه‌های امام خمینی (ره)، کلید خورده است و می‌رود که توسط اسلام سیاسی به باز تولید راه و روش و نیز شیوه جدیدی از زندگی سیاسی - اجتماعی مسلمانان بیانجامد. اندیشه مقام معظم رهبری با رویکردهای جدید و افق‌های تازه به این راه طراوت و پویایی خاصی بخشیده است. اسلام سیاسی با رویکرد جهانی خود نوید آینده‌ای را در جهان می‌دهد که انسان‌های متحول شده آن را رغم خواهند زد. بیداری اسلامی، بخشی از این تحول و تغییر در جهت جامعه‌ای تعالی خواه است که نوید جامعه بزرگ‌تر مهدوی را می‌دهد. این تأثیرگذاری چنان حیرت‌آور بود که تا قبل از اینکه غرب چاره‌ای بیاندیشد، افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان پخش شده بود. چرا که تلاش و برنامه‌های غرب تا آن روز صرف شده بود تا ریشه‌های اسلام در جوامع مختلف خشکانده شده و مفاهیم و آموزه‌های آن تقلیل یابد.

در این میان نقش امام خمینی (ره)، به عنوان نظریه پرداز و احیاگر تفکر دینی از انظار دور نماند به اعتقاد و اعتراف بسیاری از اندیشمندان و شرق‌شناسان، اسلام‌شناسان و جامعه‌شناسان غربی، ایشان بزرگ‌ترین احیاگر تفکر و ارزش‌های اسلامی می‌باشند که آنچه را اصلاح‌گران، تجدیدگرایان و بیدارگرایان اسلامی از قرن ۱۹ میلادی تا زمان آغاز نهضت در ایران صرفاً به عنوان یک آرمان تبلیغ می‌کردند، امام خمینی (ره) در صحنه عمل پیاده کرد و دوره ای را آغاز کرد. که اسلام به منزله دال برتر نظم سیاسی جدید مطرح گردید. تلاش‌های چندین دهه استعمارگران چنان برنامه‌های مذهب‌زدایی را پیش برده بود که حضور و بروز اسلام آن هم به مثابه نیروی بالقوه فرهنگی و اجتماعی در صحنه جوامع، در باور کمتر کسی می‌گنجید تا چه رسد که از نظر سیاسی احیا گردد و ابعاد مستحکم و فراگیری یابد.

بحث دیگری که در نوع خود مهم است، بررسی مفهوم «نظام سلطه» می‌باشد، «نظام سلطه» در این دوران، به سیستم و مجموعه‌ای از دولت‌ها اطلاق می‌شود که با شیوه سلطه‌جویی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بر دیگر کشورها، حقوق و منافع آنان را نادیده گرفته و منافع خود را ترجیح می‌دهند. هدف نظام سلطه این است که از طریق ایدئولوژی حاکم، و ترجیح منافع، بر مداخله در امور دیگر کشورها حقانیت داده شود. در نظام سلطه، مسائل جهانی با توجه به منافع ملی قدرت‌های بزرگ طبقه‌بندی می‌شود. مشروع ساختن منافع آنان به هر قیمتی حلقه اول نظام سلطه، دولت ایالات متحده آمریکا است. حلقه دوم نظام سلطه، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به ویژه دولت‌های انگلیس و فرانسه که قدرت‌های صاحب حق و تو می‌باشند و تا حدودی آلمان، قرار گرفته‌اند. در حلقه بعدی، دولت‌های توسعه‌یافته و غیرغربی همچون روسیه، ژاپن و چین قرار دارند. حلقه آخر نظام سلطه، دولت‌های وابسته و تحت نفوذ در میان کشورهای در حال رشد هستند که دوام و بقای خود را در پشتیبانی و حمایت از نظام سلطه می‌بینند و به‌عنوان مهره‌های نظام سلطه، عمل می‌کنند. این نظام شیطانی، کاملاً با صهیونیسم جهانی همپوشانی دارد.

اساسی‌ترین سوال پژوهش حاضر عبارتست از: نقش دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در ظهور پدیده بیداری و خیزش علیه نظام سلطه جهانی، چیست؟ فرضیه تحقیق بدین صورت شکل گرفته است که: امام خمینی (ره) توانست در موقعیت‌های متفاوت و با توجه به شرایط و مقتضیات زمان، نظام سلطه را به انحاء مختلف به چالش بکشد مبارزه امام در دو بعد فکری و عملی اتفاق افتاد. از جمله بازتعریف مجدد اسلام اصیل، انسان و جامعه اسلامی نشان دادن همپوشانی نظام سلطه با صهیونیسم جهانی، ابداع روز قدس، ابداع برائت از مشرکین در حج و نشان دادن قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اسلام و ... همه

اینها در معرض دید تمامی ملل مسلمان و غیرمسلمان قرار گرفت و به مانند کبریتی عمل کرده که جرقه قیام علیه نظام سلطه استکباری را روشن نمود. علاوه بر ملت‌ها، مهمترین نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی بعد از انقلاب اسلامی به وجود آمده و تحت تأثیر آن بوده اند. دولت‌ها نیز به نوعی به کسب مشروعیت دینی و مردمی پی برده‌اند. بنابراین محتوای دیدگاه‌های امام در چهار عرصه بروز کرده است در سطح افکار، رفتار، ساختار و در سطح روابط که در خیزش علیه نظام سلطه قابل مشاهده است. در سطح افکار، شعارها، نمایانگر تأثیر اسلام در افکار مردم می‌باشد که باعث تغییر رفتار گسترده مردم شده است که این‌ها موجبات تغییرات ساختاری در حکومت، سیاست، اجتماع و فرهنگ را فراهم آورده است و در نتیجه به تغییر روابط با کشورهای سلطه‌گر خواهد انجامید. بیداری و خیزش علیه نظام سلطه سه ویژگی عام و یک ویژگی خاص و کلیدی دارد. ویژگی‌های عام عبارتند از: ۱. فراگیری ۲. چند مرکزی (مبتنی بر یک نقطه نیست) ۳. تداوم. ویژگی خاص و کلیدی دیگر عبارتست از «دین مداری» که تعیین کننده آینده تحولات در جهان به خصوص جهان اسلام، خواهد شد. در این قسمت دو زمینه کاملاً مرتبط به هم در اندیشه امام خمینی (ره) بررسی می‌شود: ۱- بررسی مبانی اندیشه ای تأثیر گذار بر خیزش علیه نظام سلطه و ۲- بررسی موارد عینی و عملی تأثیر گذار بر خیزش علیه نظام سلطه (دانشیار، ۱۳۹۲: سایت پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس).

۱-۱- عوامل تأثیرگذار بر خیزش علیه نظام سلطه جهانی از دیدگاه امام خمینی(ره):

۱. ویژگی‌های تأثیرگذار اندیشه سیاسی امام خمینی(ره):

یکی از موارد مهم اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) اصول بینشی ایشان می‌باشد که از عناصر تحول برانگیز و انقلاب‌ساز محسوب می‌شوند. آیا مبانی بینشی اسلام در برانگیختن فرد یا جامعه مسلمان برای «اصلاح» و یا رویارویی با کاستی‌ها، ستم‌ها، تبعیض‌ها و ایجاد روحیه انقلابی و تحول‌گرا تأثیرگذار بوده است؟ بررسی دیدگاه‌های امام خمینی(ره) نشان دهنده تأثیرگذاری اصول و مبانی بینشی در شکل‌گیری تمامی تحولات می‌باشد. نگرش به اسلام، انسان و جامعه، تعیین کننده راهبردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نظام اسلامی می‌باشد. عوامل بینشی از متغیرهای خیلی مهم و تعیین کننده در خیزش مسلمین علیه نظام سلطه محسوب می‌شوند (همان منبع).

۲. نگرش نسبت به اسلام (تحول اسلامی)

از دیدگاه امام خمینی(ره) اسلام فقط منحصر در بخش‌های اعتقادی نیست بلکه در همه عرصه‌های مورد نیاز انسان معاصر مدعی پاسخگویی می‌باشد. علم، فرهنگ، سیاست و اقتصاد، جامعیت اسلام شامل بعد فردی و اجتماعی می‌باشد. امام خمینی(ره) به عنوان فقیه و اسلام‌شناس متأخری که با توجه به شناخت و تسلطش بر مبانی عقلی و نقلی دین اسلام، قرائت جدیدی از اسلام ارائه نمود و اسلام را دین و آیینی معرفی کرد که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه داشته و آنچه که بشر برای نیل به سعادت محتاج آن بوده است را ارائه کرده است. از دیدگاه ایشان، اسلام قادر به ایجاد تغییر و تحول همه جانبه فردی و اجتماعی در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. عنصر اسلام به عنوان مهمترین عامل تحول و تغییر و نیز خیزش علیه نظام سلطه جهانی محسوب می‌شود. این تغییر و تحول علاوه بر اینکه روحی است بلکه در تمامی ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی زندگی مادی انسان‌ها تأثیرگذار می‌باشد: «اسلام به این منظور به وجود آمد که به انسان، ابعاد واقعی و شأن انسانی اعطا کند؛ یعنی انسان را از نظر زندگی اجتماعی، شخصی و سیاسی تحول بخشد و به غنای روحی انسان یاری دهد. اسلام قادر به ایجاد چنین تحولی هست. قوانین اسلام به نیازهای انسان پاسخ می‌گوید؛ این قوانین بسیار صریح و روشن هستند. اسلام روش و رفتار هر فرد را در برابر جامعه، طی قوانین خاصی مدون و تنظیم کرده است. اسلام چگونگی سیاست جامعه را در رابطه با اقلیت‌های مذهبی، مشخص ساخته است. از این نظر قوانین اسلام واقعاً پیشرو و پیشاهنگ هستند...» (همان منبع).

۳. نگرش نسبت به انسان (تحول انسانی)

یک بخش تحول، از خود انسان شروع می شود که مقدمه‌ای برای رشد، تعالی و تکامل جامعه اسلامی است. از دیدگاه امام خمینی (ره)، در طی چندین قرن، تفکر و اندیشه غربی توانسته بود انسان مسلمان را از خود اسلامی‌اش دور کند و انسانی با تفکرات و آرمان‌های غربی بسازد. امام اعتقاد دارند که باید تلاش کرد تا انسانی که با آموزه‌های غربی رشد کرده را به «انسان اسلامی» متحول کنیم: «ما باید سال‌های طولانی زحمت و مشقت بکشیم تا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیابیم و روی پای خویش بایستیم ... و تنها مقصدمان تحول انسان غربی به انسانی اسلامی باشد اگر این مهم را انجام دادیم، مطمئن باشید که هیچ کس و هیچ قدرتی نمی‌تواند به ما ضربه بزند ...». «... منشأ همه پیروزی‌ها همین یک کلمه است. ما متحول بشویم به یک موجودی اسلامی - انسانی با ایمانی که خدای تبارک و تعالی از ما خواسته است ...». راه‌هایی انسان‌ها از بی عدالتی‌ها و تبعیض‌های نظام سلطه این است که خود و حقیقت را دریابند و به سوی خود حقیقی گام بردارند، این مرحله، مقدمه‌ای برای تکامل و انقلاب و خیزش علیه ستمکاری ستمگران، استبداد و دیکتاتوری و علیه استکبارورزی نظام سلطه خواهد بود. در این باره امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «این روحیه تا در مسلمین پیدا نشود همین‌اند که هستند. مجلس‌ها اثری ندارد، اجتماعات اثری ندارد، کنفرانس‌های دولت‌های مختلف و اجتماعاتشان اثری ندارد، صحبت است ... مسلمین فکری بکنند که این تحول در آنها حاصل بشود: تحول از خوف به شجاعت، و تحول از توجه به دنیا به ایمان به خدا ...».

اساس دیدگاه تحول‌گرا امام خمینی (ره) را، باور انسان تشکیل می‌دهد. در این نگرش باور انسان بنیان تمام امور، در زمینه‌های فردی و اجتماعی می‌باشد و از جمله بیداری محسوب می‌شود. «اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود، انسان اساس پیروزی است و اساس شکست است، باور انسان تمام امور است ...». بعد از اینکه انسان تغییر و تحول را در خودش باور کرد، از غفلت بیدار می‌شود و بیداری شکل می‌گیرد: «... اول قدم این است که بیدار بشوند؛ غفلت را کنار بگذارند ...». تحول انسانی (بیداری) برای خیزش علیه نظام سلطه در سطح جهانی، دارای دو بعد مهم در اندیشه امام خمینی (ره) می‌باشد: ۱. بعد بیداری فردی، به خود آمدن و درک خویشستن و حرکت در مسیر فطرت الهی ۲. بعد بیداری اجتماعی - سیاسی، قیام و خیزش در برابر ظلم و بی عدالتی، در جهت برپایی عدالت در زمین، این دو بعد تحول، راه‌گشای حرکت صحیح جامعه انسانی و رهایی از وابستگی‌ها و تعلقات و مشکلات جاری است (همان منبع).

۴. نگرش نسبت به جامعه (تحول اجتماعی)

یکی از ویژگی‌های نگرش اجتماعی امام خمینی (ره)، برقراری تلازم بین نگرش اجتماعی ایشان با نگرش اسلامی می‌باشد. از اینرو، مذهب اسلام از زمان به وجود آمدن توجه خاصی به اجتماع داشته است. اسلام به وجود آورنده سیستم و نظام خاص اجتماعی بوده است. سیستم اجتماعی اسلام متعرض نظام‌های اجتماعی موجود بوده و آنها را فاقد مبنا و کارایی لازم می‌دانسته است در این زمینه امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «... مذهب اسلام از هنگام ظهورش متعرض نظام‌های حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بوده است که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی وضع کرده است و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد. مذهب اسلام همزمان با اینکه به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن؛ به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها باید چگونه تنظیم کنی، و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع باید چگونه روابطی را برقرار نماید ...». بحث دیگری که در نوع خود مهم است و در راستای اندیشه تحول‌گرای اجتماعی امام محسوب می‌شود. رابطه اصل اعتقادی توحید در مبارزات اجتماعی علیه قدرت‌های استبدادی و استعماری می‌باشد. از دیدگاه امام خمینی (ره)، الهام‌گر مبارزه علیه نظام سلطه استکباری، اصل اعتقادی توحید می‌باشد: «... مبارزات اجتماعی ما علیه قدرت‌های استبدادی و استعماری آغاز می‌شود و نیز از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می‌گیریم که همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسانند. او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسان‌ها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست؛ بنا بر این با هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در جامعه حاکم می‌سازد باید مبارزه کرد ...».

از اینرو امام خمینی(ره) کوشیده است تا روند تحول اجتماعی و تأثیرگذاری اسلام اصیل بر روند زندگی مسلمین را گوشزد کند تا بتواند گوشه‌هایی از اسلام تحول آفرین را به امت اسلامی نشان دهد، تحول آفرینی اسلام، موجب پیشرفت توأمان مادی و معنوی اجتماع بشری و موجب تکامل اجتماعی می‌شود که از بین برنده موانع و مشکلات اجتماعی خواهد بود. در این زمینه امام خمینی(ره) می‌فرماید: اسلام ... مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. بنابراین تحول و تکامل نظام اجتماعی مسلمین با تغییر رویکرد نگرش به اسلام و تحول انسانی همراه می‌باشد که باعث به وجود آمدن حرکت، انقلاب و خیزش علیه نظام سلطه استکباری شیطانی، خواهد شد که جنبه‌های زندگی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه جهانی و امت اسلامی را تغییر خواهد داد(همان منبع).

۱-۲- راهبردهای امام خمینی(ره) در بیداری مسلمانان و خیزش علیه نظام سلطه

۱. احیای اسلام به عنوان مکتب جامع و جهانی(احیای اسلام سیاسی)

صفت اسلام، پسوند اکثر خیزش‌ها و بیداری در کشورهای مسلمان، علیه نظام سلطه بوده است. در واقع، جهت و سمت و سوی این حرکت‌ها را اسلام تعیین کرده است. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، نشان داد که ادیان و به ویژه دین اسلام با گذشت زمان و توسعه مدرنیزاسیون نه تنها به پایان راه خود نرسیده بلکه مجدداً به عنوان مهمترین راه نجات بشریت از ظلم و بیدادگری مطرح می‌باشند. که دریچه‌ای از قدرت معنویات و اعتقادات دینی و مذهبی را گشود. امام خمینی با تأکید بر جنبه سیاسی اسلام اعتقاد دارند که: «... والله اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده اند. سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد». لذا راهبردهای امام خمینی(ره) در رابطه با اسلام سیاسی را می‌توان اینگونه بیان کرد:

الف. بازگشت به اصول اولیه مکتب اسلام ناب محمدی

بازگشت به اصول اولیه مکتب اسلام یا به عبارتی «اسلام ناب محمدی» یکی از انگیزه‌های اصلی امام در برخورد با حکومت‌های فاسد از جمله حکومت پهلوی و نیز خیزش و بیداری علیه نظام سلطه بود: «... ما تا به اسلام برنگردیم؛ اسلام رسول‌الله، تا به اسلام رسول‌الله برنگردیم، مشکلاتمان سر جای خودش هست ...».

ب. تلاش برای شناساندن و عملی کردن و تطبیق رخدادهای و مسائل قرآن و سنت با مسائل جاری جهان اسلام به عنوان نمونه ایشان از مفاهیم «اخوت»، «وحدت» و «عدم تفرق» که از مفاهیم قرآنی هستند، برای بسیج مسلمانان علیه نظام سلطه استفاده کرده‌اند: « باید تعلیمات اسلام را گرفت و همان طوری که اسلام دستور داده است که مؤمنین، همه مؤمنین در همه جا برادر هستند(حجرات: آیه ۱۰) و امر کرده است به اینکه اعتصام به حبل‌الله بکنید و متفرق از هم نشوید(آل عمران: ۱۰۳) و دستور داده است به اینکه تنازع با هم نکنید و آلا فُشَل می‌شوید.(انفال: ۴۶) مسلمین وقتی میتوانند از غیر ابرقدرت‌ها و از غیر حکومت‌های فاسد خودشان خلاص بشوند که این امر خدا را اجابت کنند. این دعوت الهی است ... کار وقتی از ما ساخته است که اسلامی فکر کنیم و به قرآن و اسلام گرایش پیدا کنیم و به تعلیمات صدر اسلام عمل کنیم».

ج. پایبندی به ارزش‌های اسلامی و اخلاق به عنوان اصول بنیادین دین اسلام.

یکی از فرق‌های بنیادین دولت اسلامی با سایر دولت‌ها پایبندی به اخلاق و ارزش‌های اسلامی می‌باشد: «... در هیچ رژیم و در هیچ دولتی آن طوری که در دولت اسلام و در رژیم اسلامی پایبند اخلاق و پایبند ارزش‌های انسانی است، نخواهد بود».

د. مطرح شدن عدالت‌طلبی و روحیه ظلم‌ستیزی از متن دین و قرآن

عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی که از متن قرآن و سنت می‌جوشد، الهام‌گر امام خمینی(ره) در قیام علیه نظام ظالمانه سلطه تعالیم اصیل قرآن بوده است. مفاهیم قرآنی که در دسترس عموم مسلمین قرار دارد: «... ما اگر کوشش کنیم ... مسلمین جهان اگر کوشش کنند تا اینکه این بُعد از قرآن را که بُعد اجرای عدالت اسلامی است، در جهان پخش کنند، آن وقت یک دنیایی می‌شود که صورت ظاهر قرآن می‌شود».

ه. مطرح شدن روحیه از خودگذشتگی و شهادت‌طلبی

احیاگر روحیه جهاد و شهادت به عنوان کلیدی‌ترین عنصر ایجاد تحول در جوامع بشری و خصوصاً جوامع اسلامی امام خمینی(ره)، محسوب می‌شود. بیداری این روحیه، تمامی معادلات آینده جهانی را برهم خواهد ریخت. جهاد و از خودگذشتگی برای ایجاد تغییر و تحول در جریان بیداری اسلامی، به وضوح در بین ملت‌های مسلمان دیده می‌شود. همه این‌ها نشان‌گر تأثیر عمیق اندیشه‌های امام خمینی(ره) می‌باشد: «... آنها که مادی هستند و مادی‌گر، آنها هرگز شهادت را نمی‌خواهند ولی جوانان ما شهادت را سعادت خودشان می‌دانند، اول راحت خودشان می‌دانند. این رمز پیروزی بود...». «این کار کار الهی بود. و این هم برای این بود که اجتماع ما، این جمعیت ما جوری شده بود و متحول شده بودند - این تحول باز تحول اسلامی بود- جوری شده بودند که شهادت را برای خودشان یک فوز عظیم دانستند» (همان منبع).

۲. نفی نظام غرب محور

از این منظر می‌توان ظهور اسلام‌گرایی را در تخریب و فرسایش اروپا مداری و غرب مرکزی مورد توجه قرار داد. از این رو، گسترش اسلام‌گرایی از سوی امام خمینی(ره)، مانعی بنیادین و اساسی در برابر افزون خواهی غرب در جهان اسلام محسوب گردید. امام خمینی(ره) توانست در دنیایی که غرب به عنوان هسته مرکزی تمدن و فرهنگ جدید محسوب می‌شد، با مرکز‌زدایی از غرب، اسلام را از حاشیه به متن و مرکز اصلی تحولات و خیزش علیه زیاده‌خواهی تفکر و عمل غربی قرار دهد: «ما تمدنی می‌خواهیم که بر پایه شرافت و انسانیت استوار باشد و بر این پایه صلح را حفظ کند...».

راهبردهای امام خمینی(ره) در رابطه با نفی نظام غرب‌محور عبارت است از:

الف. امام خمینی(ره) با طرح اسلام سیاسی اصیل، چالشی اساسی را برای نظام‌های طراحی شده غرب ایجاد کردند. «... اسلام از هنگام ظهورش متعرض نظام‌های حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بوده است...».

ب. امام خمینی(ره) با تحلیل و تطبیق خارجی واژه‌هایی همچون «مستکبرین» و «مستضعفین» که از واژه‌های قرآنی محسوب می‌شوند، صف بندی جدیدی را در عرصه جهانی، مطرح کردند. در این گفتمان منازعه اصلی نه میان دولت‌ها با منافع و اهداف متفاوت، بلکه میان صاحبان قدرت و زور (مستکبرین) و توده‌های ملل محروم و مستضعف جهان است: «یک طایفه مستکبرین و سودجوها و طوایفی که به آنها وابسته هستند، آنها را توقع نداشته باشید که با شما صلح بکنند، آنها هم نخواهند صلح کرد. آنها همه‌شان همان برنامه «فرعون‌ها را دارند که سر سازش هیچ ندارند و یک دسته هم مستضعفین جامعه هستند که یک اکثریت محروم هستند...».

ج. امام با پیش‌بینی زوال کمونیسم و از بین رفتن نظام دو قطبی، گرفتاری غرب را نیز پیش‌بینی کرده اند: «... امروز اگر مارکسیسم در روش‌های اقتصادی و اجتماعی به بن بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مساله، البته به شکل دیگر نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است...».

د. امام خمینی(ره) توانست منازعات جهانی را از حوزه دولت - ملت بر اساس گفتمان جدید «امت اسلامی» تغییر دهد: «... از نقشه‌های بزرگ آنها مسئله ملت‌گرایی است. اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، تُرک را، فارس را همه را با هم متحد کند. و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند...» (همان منبع).

۳. زیر سوال بردن اندیشه جدایی دین از سیاست

یکی دیگر از راهبردهای امام خمینی(ره)، که تأثیر به‌سزایی در تغییر نوع نگرش و نگاه مسلمین و غیرمسلمین به اسلام داشته است. زیر سوال بردن اندیشه جدایی دین از سیاست و احیای تفکر دینی در عصر حاضر می‌باشد. این بعد از تفکر امام خمینی(ره)، به طور دقیق، شالوده تفکر و مبانی انسان‌شناختی تفکر لیبرالیسم و نیز سوسیالیسم را نشانه گرفته است که دین را برکنار از سیاست می‌دانستند که تأثیرات غیرقابل انکاری در خیزش علیه نظام سلطه ایفا کرده است.

ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «... اسلام را می‌گویند از سیاست کنار است؛ دین علی حده است، سیاست علی حده. اینها اسلام را نشناخته‌اند. اسلامی که حکومتش تشکیل شد در زمان رسول‌الله و باقی ماند حکومت - به عدل یا به غیر عدل. زمان حضرت امیر بود، باز حکومت عادلانه اسلامی بود؛ یک حکومتی بود با سیاست، با همه جهاتی که بود... احکام سیاسی اسلام بیشتر از احکام عبادی است. کتاب‌هایی که اسلام در سیاست دارد بیشتر از کتاب‌هایی است که در عبادت دارد. این غلط را در ذهن ما جاگیر کردند.»

یا در جای دیگری، مطرح کردن این مساله را، از خدعه‌های نظام سلطه و نظام ظالمانه می‌دانند. «مسئله جدا بودن دین از سیاست، مسئله‌ای که با کمال تزویر و خدعه طرح کردند...». امام خمینی (ره) با وارد کردن اسلام سیاسی به متن جامعه، توانست اسلام را دال برتر نظم سیاسی جدید معرفی کند و اسلام را نمود بارز مبارزه و تحول‌آفرینی علیه نظام سلطه جهانی و اندیشه مادی فراگیر و ضددین غربی معرفی کند. امام خمینی (ره) علاوه بر مبارزه با اندیشه منحرف غربی درباره جدایی دین از سیاست، به مبارزه با جداسازی بخش‌های فرهنگ و اقتصاد از دین و اخلاق پرداخته و تلازم سیاست، فرهنگ و اقتصاد را با دین و اخلاق بیان داشته‌اند و نگرش اصیل اسلامی را در حوزه‌های مهم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را بیان کرده‌اند. در بخش فرهنگی، با اهمیت دادن به فرهنگ اسلامی، فرهنگ‌های غربی و استعماری را آسیب‌شناسی کرده‌اند. در بخش اقتصادی نیز با بیان ویژگی‌های اصیل اقتصاد اسلامی در روابط بین‌الملل، ناکاری‌ها و آسیب‌های نظام اقتصادی سرمایه‌داری را بیان کرده‌اند (همان منبع).

۴. ابداع و اعلام روز جهانی قدس (مخالفت با روند سازش با اسرائیل و برجسته کردن خطر صهیونیسم جهانی)

اقدام امام خمینی (ره) در ابداع روز قدس نقطه عطفی در بیداری اسلامی و خیزش علیه نظام سلطه محسوب می‌شود. جهانی کردن این روز با هدف عدم فراموشی سرنوشت قبله اول مسلمین، مساله فلسطین را از یهودی - فلسطینی یا عرب - صهیونیست خارج کرد و آن را به مساله جهان اسلام - غرب ارجاع داد. روز قدس در بستر تاریخی خود نهادینه شده است و هر سال جمع بیشتری از مسلمانان جهان این روز را گرامی می‌دارند. این نام‌گذاری صرفاً نمادین نبوده بلکه جریان‌سازی سراسری مسلمانان را در مقابل استکبار و صهیونیسم به همراه آورده است. امام خمینی (ره) ضمن اتخاذ سیاست ثابت و پایدار در قضیه فلسطین، وجه دیگر این روز را همبستگی مسلمانان روز احیای اقتدار اسلام در مقابل نظام سلطه می‌داند: «من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم... من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند. و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است، و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب، و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند...» (همان منبع).

۵. تأکید بر وحدت مسلمانان و تشکیل امت واحده جهانی

یکی دیگر از اقدامات و راهبردهای امام خمینی (ره) که در راستای سایر اقدامات ایشان از اهمیت خاصی برخوردار است، تأکید بر وحدت مسلمانان و تشکیل امت واحد جهانی است. که یکی از مهمترین عامل‌های تعیین کننده آینده جهان اسلام و یکی از موثرترین عوامل خیزش و بیداری مسلمانان علیه نظام سلطه بوده است.

راهبردهای امام خمینی (ره) درباره وحدت مسلمانان و تشکیل امت واحد اسلامی جهانی عبارتند از:

۱. یکی از راهکارهای رسیدن به امت اسلامی تشکیل حکومت و سرنگونی حکومت‌ها ظالم و دست‌نشانده می‌باشد: «ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم؛ و پس از آن حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است به وجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است...».

۲. راهکار دوم و مهم ایشان تأکید بر امت محوری در مقابل ملت‌گرایی است: «... از نقشه‌های بزرگ آنها مسئله ملت‌گرایی است. اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را همه را با هم متحد کند. و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند...». از دیدگاه امام خمینی (ره)، نهضت و انقلاب اسلامی ایران به عنوان الگو و سرمشق دیگر کشورها، سرنوشت امت اسلامی را در قرن دیگر دگرگون خواهد کرد که زمینه‌های این پیش‌بینی، در خیزش و بیداری کشورهای مسلمان علیه نظام سلطه جهانی، بارز می‌باشد: «... نهضت اسلامی ایران در اواخر این قرن سرنوشت امت اسلام را در قرن آتی دگرگون خواهند نمود. امید واثق که شرق در بند، و خصوصاً کشورهای اسلامی، در زیر پرچم توحید به مبارزات خود برای استقلال و آزادی ادامه داده، تا از چنگ غرب و شرق توطئه‌گر نجات پیدا کنند؛ و این قرن، قرن نورانی کشورهای اسلامی باشد...» (همان منبع).

۶. ابداع راهپیمایی برائت از مشرکین در حج

ابداع راهپیمایی برائت از مشرکین توسط امام و نگاه نو به حرکت اجتماعی - سیاسی حج، فصل جدیدی از رویکرد به احکام سیاسی را به منصف ظهور رساند. این حرکت امام، افکار بسیاری از مردم مسلمان و غیرمسلمان را به خود جلب کرد. و یکی از عوامل روشننگری و خیزش علیه نظام سلطه محسوب می‌شود، امام خمینی (ره) با باز تعریف سفر حج و فلسفه این اجتماع، با نوگرایی در محتوای آن، مسلمانان را برای درمان دردهای خود در این حادثه بزرگ فراخواند: «اصولاً برائت از مشرکین از وظایف سیاسی حج است و بدون آن، حج ما حج نیست. آل سعود بدانند اگر غیر از این عمل کنند، در مقابل تمام مسلمین دنیا ایستاده‌اند و اگر صحیح و درست عمل کنند به نفع خودشان است».

از دیدگاه امام خمینی برائت از مشرکین دارای ویژگی‌ها و آثار خاصی است.

۱. اعلان برائت از مشرکان از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج می‌باشد: «اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی با صلابت و شکوه هر چه بیشتر و بهتر برگزار شود».

۲. ویژگی دیگر این حرکت روشننگری ملت‌های مسلمان در ابراز انزجار از تفکر و عملکرد مستکبران فعلی عالم به عنوان مبارزه با سیستم و قدرت ظالمانه و شیطانی که با سلطه‌طلبی و تمامیت‌خواهی دیگر کشورها را به سمت بدبختی کشانده‌اند، برائت از مشرکان و ملحدان جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار است: «... فریاد کوبنده برائت از مشرکان و ملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان آمریکای جنایتکار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و از ابراز بغض و کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند...».

۳. فریضه حج بهترین محل برای روشننگری و اعلام موجودیت مسلمانان و قدرت وحدت آنان است که با برائت از مشرکین این انرژی آزاد می‌شود: «... ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم... ان‌شاء‌الله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنده و اثبات کنند که ابرقدرت‌ها و نوکران و جیره‌خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند» (همان منبع).

۷. حمایت و پشتیبانی معنوی از صدور انقلاب به سایر کشورها (تحول و بیداری سایر ملت‌ها)

یکی دیگر از راهبردهای امام خمینی (ره)، که تأثیر به‌سزایی در خیزش علیه نظام سلطه داشت حمایت و پشتیبانی از حرکت‌های اسلامی و به عبارتی صدور انقلاب به سایر کشورها بود: «... ما میل داریم ملت‌ها همه این طور بشوند. صدور معنویت انقلاب اسلامی به جهان، ما که می‌گوییم «انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم»... همین معنویت که پیدا شده است در ایران... ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم... آنها حمله می‌کنند ما دفاع می‌کنیم. دفاع لازم است... شما کوشش کنید... ملت‌های خودتان را بیدار کنید. آنهايي که برای اسلام دلشان می‌سوزد، آنهايي که برای کشورشان دلشان می‌سوزد، ملت‌های خودشان را بیدار کنند تا این تحول الهی، که در ایران پیدا شد، در آنجاها پیدا بشود...». ویژگی صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی (ره) عبارتند از:

۱. صدور بعد اسلامی - معنوی انقلاب ایران در تأثیرگذاری بر سایر ملل و از جمله کشورهای مسلمان
۲. صدور انقلاب به معنای مبارزه مسلحانه نمی‌باشد
۳. برجسته شدن ابعاد فرهنگی و تحول آفرین انقلاب اسلامی (همان منبع).

۲- مؤلفه های بیداری اسلامی

از منظر امام خمینی (ره) بیداری اسلامی دارای ابعادی می باشد که از جمله این ابعاد بیداری ملت‌های تحت سلطه، قیام همه جانبه مردم، دشمن شناسی، مقاومت و... می باشد که در ادامه توضیح داده می شوند.

۱- ضرورت بیداری ملت‌ها:

از ویژگی‌های حضرت امام خمینی رحمه‌الله در هدایت و راهبری امت اسلامی، صداقت در عمل و گفتار بود؛ وقتی نارسایی‌های موجود در رژیم شاهنشاهی در حیطه‌ی نظر و معرفت سیاسی و رفتار عملی کاملاً خود را عیان نمود، حضرت امام رحمه‌الله با بینش سیاسی برگرفته از اندیشه‌ی سیاسی اسلام، گام در میدان مبارزه در دو حوزه گذاشتند که در نقد بنیان‌های نظری اندیشه‌ی پادشاهی، حکومت اسلامی را پیشنهاد داد و در مباحث دروس خارج فقه خود در نجف اشرف، تئوری ولایت فقیه را سال‌ها قبل از به ثمر رسیدن این اندیشه، پایه‌ریزی کرد و در نقد رفتارشناسی رژیم، دست به مبارزه‌ی طراحی شده زدند. بنابراین ضرورت بیداری ملت‌ها از جمله مباحثی بود که حضرت امام رحمه‌الله برای شروع مبارزه آن را شرط لازم برشمرده و معتقد است:

«باید با ملت‌ها در میان گذاشت؛ همان‌طوری که در ایران، ملت ایران بود که فاجعه‌ای که برای اسلام به دست آمریکا و سرسپردگان او که رژیم منحوس پهلوی است پیش می‌آمد، همین جوان‌های ایران بودند و همین ملت ایران بود و همین ارتش ایران بود و همین نیروهای دریایی و هوایی و زمینی ایران بود و همین سپاه پاسداران ایران بود و همین جوان‌های بسیج و عشایر ایران بودند که با هم وظیفه فهمیدند، بیدار شدند و با هم مشت‌ها را گره کردند و با مشت، تانک‌ها را از صحنه بیرون کردند. تا ملت‌ها یک چنین بیداری پیدا نکنند و تا ملت‌ها یک همچو انسجامی پیدا نکنند، باید بدانند که محکوم به حکومت‌های فاسد و محکوم به آمریکای جنایتکار و سایر ابرقدرت‌ها هستند. با داشتن آن همه ذخایر، آن همه امکانات.»

امام خمینی رحمه‌الله: «کشورهای اسلامی و مستضعفان جهان، قدرت اسلامی خود را بیابند و از عربده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نهراسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان بپاخیزند و دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند» (سایت افسران جنگ نرم، ۱۳۹۱).

۲- قیام همه‌جانبه در مقابل استبداد

حضرت امام رحمه‌الله معتقد است علت اصلی نابودی و شکست ملت‌ها و دولت‌های اسلامی در مقابل دولت‌های مستکبر، عدم قیام همه‌جانبه‌ی قشرهای مختلف است که همین امر باعث از بین رفتن شرافت و ارزش‌های انسانی آنان خواهد شد «اگر امروز قشرهای مختلف ملت‌ها، از علمای دینی تا گویندگان و نویسندگان و روشن بینان متعهد، قیام همه‌جانبه نکنند و با بیدار کردن توده‌های عظیم انسانی اسلامی به دادِ کشورها و ملت‌های تحت ستم نرسند، کشورهايشان بی شک به نابودی و وابستگی همه‌جانبه‌ی بیشتر و بیشتر خواهد کشید. و غارتگران ملحد شرقی و بدتر از آنان ملحد غربی ریشه‌ی حیات آنان را می‌مکند و شرافت و ارزش‌های انسانی آنان را به باد فنا می‌سپارند» (همان منبع).

۳. دشمن شناسی و دشمن‌ستیزی (اصل استراتژیک)

یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی امام خمینی رحمه‌الله برخورداری از بینش عمیق نسبت به دشمن و شگردهای آن و توصیه‌ی مردم به هوشیاری در برابر توطئه‌هاست. انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت استکبارستیزی خود و آسیب‌رسانی جدی به منافع آمریکا در ایران و منطقه، مورد دشمنی آمریکا قرار گرفته است. ملت مسلمان ایران با درک عمیق این خصومت توانسته است

نقشه‌های شوم آمریکا را در هر مرحله با شکست قرین سازد. لذا هرگونه سعی و تلاش در جهت تخریب این باور، راه نفوذ دشمن را هموار می‌سازد و در جهت تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌شود. بررسی اهداف بلندمدت امام در راستای عزت مسلمین جهان نشان می‌دهد که دشمنی استکبار جهانی دقیقاً ناشی از ضربات مهلکی است که از انقلاب اسلامی دریافت کرده است.

اهمیت دشمن‌شناسی در تعالیم اسلامی آن قدر است که قرآن کریم در آیات متعددی به تعبیرهای مختلف به این موضوع پرداخته است. سخنان معصومین خصوصاً پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام مملو از بحث دشمن‌شناسی و هشدار نسبت به خطرات آنان است. از همین رو امام خمینی رحمه‌الله آن را یک تکلیف شرعی می‌داند و همواره بر آن تأکید می‌کند:

«کشورهای اسلامی و مستضعفان جهان، قدرت اسلامی خود را بیابند و از عریده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نهراسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان بپاخیزند و دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند».

«وقتی قیامی، جهت احقاق حق و امحای باطل صورت می‌گیرد، لوازم خاص خود را دارد، یعنی سختی‌ها و مرارت‌ها خواهد داشت و سختی در زندگی باعث می‌گردد که انسان دچار مشکلات عدیده‌ای بشود و نتواند بر این سختی‌ها غلبه کند مگر این که از ناملایمات نترسد و به خداوند سبحان امید داشته باشد و بعد از تصمیم، به خود تزلزل و سستی راه ندهد. برای این که تصمیم‌گیری با تزلزل با موفقیت همراه نمی‌شود؛ بلکه باید همان‌طور که تصمیم گرفته است، جازم باشد. زیرا همین نترسیدن و جازمیت و تصمیم، او را به پیروزی خواهد رساند».

اگر وحدت کلمه‌ی اسلامی بود و اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلام به هم پیوسته بودند، معنا نداشت که قریب یک میلیارد جمعیت مسلمین زیر دست قدرت‌ها باشد.

امام خمینی رحمه‌الله در این باره می‌گویند «پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام‌الله در چه غربت‌هایی برای دین حق و امحاء باطل، استقامت و ایستادگی نموده‌اند و از تهمت‌ها و اهانت‌ها و زخم زبان‌های «ابولهب» و «ابوجهل»‌ها و «ابوسفیان»‌ها نهراسیدند و در عین حال شدیدترین محاصره‌های اقتصادی در شعب ابی‌طالب به راه خود ادامه داده‌اند و تسلیم نشدند و با تحمل هجرت‌ها و مرارت‌ها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگ‌های پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه و کارشکنی‌ها به هدایت و رشد همت گماشته‌اند».

اصول مبارزه و جهت‌گیری در مقابله با دشمن

۱. اصل تغییر در روش و تاکتیک با حفظ اصول

۲. اصل عدم اعتماد به دشمن

۳. اصل مشارکت مردم در دفاع و دفاع عمومی یا بسیج عمومی برای مبارزه

۴. اصل ایمان و اتکا به خدا و وارستگی و خودسازی در دفاع و مبارزه

۵. اصل استقلال و اتکا به نفس در دفاع و مبارزه

۶. اصل استفاده از تبلیغات در دفاع و مبارزه

۷. اصل مقابله قبل از نفوذ دشمن

۸. اصل دفاع در اولین قدم هجوم و سلب مهلت از دشمن

۹. اصل رعایت قانون، نظم، اخلاق و دید اسلامی در دفاع و مبارزه

۱۰. اصل بهره‌وری از عوامل روحی و روانی پیروزی در نیروهای خودی

۱۱. اصل استفاده از نقاط ضعف دشمن

۱۲. اصل منفعل کردن دشمن و به ندامت کشاندن وی

۱۳. اصل به انزوا کشاندن دشمن

۱۴. اصل تحقیر، تهدید و ارعاب دشمن

۱۵. اصل به کارگیری علم و تخصص در دفاع و تقویت آن
۱۶. اصل تقویت قوای مسلح و نیروی انتظامی، سپاه و بسیج
۱۷. اصل طبقه‌بندی مدافعان و تقسیم وظیفه در دفاع و مبارزه
۱۸. اصل جدی گرفتن دشمن و کوچک نشمردن او هر چند کم و ضعیف باشد و ایجاد فاصله و شکاف بین دشمنان و مشغول کردن آنان به یکدیگر (همان منبع).

۴. شکست‌ناپذیری در مقابل دولت‌های استعماری

امروز ایران اسلامی به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقصای مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب و انگل‌های منحرف را از کشور خود کوتاه و به هیچ قدرتی اجازه نمی‌دهد کوچک‌ترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید. و این خود حجت قاطعی است برای مسلمانان و مظلومان جهان که به خواست ملت‌ها کسی نمی‌تواند دست تجاوز دراز کند و با آن مخالفت نماید و ملتی که بین ذلت و شهادت، دومی را انتخاب نموده است شکست‌پذیر نیست (همان منبع).

۵. الگوهای مقاومت و پایداری در بیداری اسلامی

مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده؛ از مسجد، تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد، حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آن‌ها در (زیر) بیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام، مسجد، مرکز حرکات و مرکز جنبش‌ها بوده است. ما به خواست خدای تعالی با آن که بی‌ساز و برگ بودیم و ملت ما در دستش از تفنگ و آلات جنگی چیزی نبود، به واسطه‌ی قدرت ایمان و وحدت کلمه بر قوای طاغوتی غلبه کردیم. و من امیدوارم که همه‌ی ملت‌های اسلامی بپاخیزند و با وحدت کلمه و با توجه به اسلام و قدرت ایمان، بر اجانب و بر کسانی که می‌خواهند این ملت‌ها را همیشه در تحت اختیار و سلطه‌ی خود داشته باشند غلبه کنند. رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام، وحدت کلمه و قوت ایمان بود؛ قوت ایمان بود که یک لشکر ضعیف را بر امپراتوری‌های بزرگ عالم غلبه داد و سی نفر به قیادت خالد بن ولید بر شصت هزار نفر لشکر پیشقراول روم غلبه کرد. این قدرت اسلام بود که پیش می‌برد و ما مسلمین باید با قدرت اسلام، اسلام را پیش ببریم.

باید با قوای کفر به قدرت اسلامی مبارزه کنیم و دست تبهکاران را از ممالک خودمان دور کنیم. اگر وحدت کلمه‌ی اسلامی بود و اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلام به هم پیوسته بودند، معنا نداشت که قریب یک میلیارد جمعیت مسلمین زیر دست قدرت‌ها باشد. اگر این قدرت، قدرت بزرگ الهی مُتَّصِم بشود به قدرت ایمان و همه با هم برادرانه در راه اسلام قدم بردارند، هیچ قدرتی بر آن‌ها غلبه نخواهد کرد.

ای مسلمانان در همه‌ی بلاد و اقطار عالم بپاخیزید! و ای علمای اعلام جهان اسلام به داد اسلام و بلاد مسلمین و مسلمانان برسید! و در هر گوشه و کنار، همچون ملت ایران و دولت آن و علما و بزرگان این سامان، دست رد به سینه‌ی ستمکاران غرب و شرق زنید و عمال و کارشناسان دروغین و مستشاران نفت‌خوار آنان را از بلاد خود بیرون بریزید؛ و همچون سلحشوران ایران، شهادت را بر ذلت و شرف اسلام و انسانی را بر رفاه و عیش چند روزه‌ی توأم با خواری و شرمساری ترجیح داده و در میدان نبرد سیاسی و نظامی بر آنان چیره شوید و از هیاهوی تبلیغاتی آنان باک نداشته باشید که خداوند تعالی با شماست. *إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِبْ أَدْمَکُمْ.*

حضرت امام می‌فرمایند «از همه‌ی کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال، کاملاً پشتیبانی می‌نماییم و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق گرفتنی است، قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه‌ی تاریخ و روزگار براندازید. من بارها گفته‌ام و هم‌اکنون هشدار می‌دهم که اگر شرق ستم‌کشیده و آفریقا به خودشان متکی نباشند، تا ابد گرفتارند.» امروز تمام دولت‌ها و بسیاری از ملت‌های مسلمان می‌دانند که ملت ایران پس از صدها سال گرفتاری به دست شاهان ستم‌پیشه و ستمکاران حرفه‌ای که اسلام عزیز را وسیله‌ی غارتگری و چپاول برای خود و قدرت‌های بزرگ و اخیراً آمریکای جنایتکار قرار داده بودند و قرآن کریم و اسلام بزرگ را در معرض خطر می‌دیدند بپاخاستند و با انقلاب کبیر خود، دولت اسلام

را جایگزین رژیم غیر اسلامی و غیرقانونی شاهنشاهی نمودند و دست ابرقدرت‌ها و خصوصاً آمریکای جهانخوار را از سلطه‌ی بر اموال و انفس خود قطع نمودند و امید آن است که دیگر برادران مسلمان گرفتار در چنگال خونخواران و ستمکاران، از این انقلاب اسلامی بهره‌برداری کنند و دولت‌های اسلامی با پشتیبانی ملت‌های خود به انقلاب بزرگ ایران بپیوندند (همان منبع).

۶. حمایت همه جانبه از بیداری اسلامی

با توجه به این که قاموس حرکت حضرت امام رحمه‌الله، انجام وظیفه در راستای فرامین الهی می‌باشد، لذا این اندیشه، محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌باشد. حضرت امام می‌فرمایند «از همه‌ی کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال، کاملاً پشتیبانی می‌نماییم و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق گرفتاری است، قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه‌ی تاریخ و روزگار براندازید. من بارها گفته‌ام و هم‌اکنون هشدار می‌دهم که اگر شرق ستم‌کشیده و آفریقا به خودشان متکی نباشند، تا ابد گرفتارند» (همان منبع).

۷. ناتوانی قدرت‌ها از مقابله با ملت متحد

فریادی که از قلب مؤمن است بر همه چیز غلبه می‌کند؛ بر کاخ سفید هم غلبه می‌کند و غلبه کرده است. و موج این ایمان در سرتاسر دنیا از زیر بار این ظلم‌هایی که در طول تاریخ بر آن شده است، از زیر این بار دارد در می‌آید. همه جا نغمه‌ی این است که ظلم نه. دست توانای ملت‌ها، ابرقدرت‌ها را به جای خودشان نشانده و می‌نشانند. ملت‌های مستضعف در هر جای جهان رو به بیداری هستند، نمی‌پذیرند امروز دیگر آن حرف‌هایی که سابق گفته می‌شد، آن ارباب‌هایی که می‌کردند و کشتی‌هایی که می‌آوردند در اطراف خلیج فارس و امثال این‌ها، یا کارهای دیگری که می‌کردند. تمام این‌ها کهنه شده است. دیگر پیش مردم ارزش ندارد. ملتی که بیرون آمده روز جمعه و می‌گوید که «ما برای شهادت آمدم» آن‌ها را از مردن نترسانید، این شهادت است. ان‌شاءالله خداوند به همه‌ی ملت، ملت‌های اسلامی، قدرت ایمان عنایت کند و قدرت ایمان ملت ما را روزافزون کند. در این راهپیمایی که روز تاسوعا و عاشورا می‌شود باید توجه بکنید دو نکته را من بگویم: یکی این که راهپیمایی، عزاداری را از شما نگیرد. عزاداری کنید و با عزاداری راه بروید. همه با هم مجتمع بشوید به عزاداری. وقتی کلمه‌ی راهپیمایی پیش می‌آید، خیال نکنید که معنایش این است که عزاداری نمی‌خواهیم. ما از همین اسلام و مظاهر اسلام و شهادت اسلام می‌توانیم کار هایمان را انجام بدهیم، و الا نه توپ ما و نه تانک ما مقابله با تانک و توپ آمریکا ندارد، شوروی ندارد. ما یک ملتی می‌خواهیم که برای اسلام همدست بشوند. مطمئن باشید که وقتی یک ملت در یک امر اسلامی همدست شدند که چنانچه می‌بینید شدند هیچ قدرتی نمی‌تواند شما را عقب بزند.

آن‌ها هم این معنا را فهمیده‌اند و می‌بینند که خوب، یکی از اشخاص، یکی از گروه‌هایی که نقشی دارد در این امر و نقش بزرگی دارد، روحانی است. از اولی که این انقلاب پیدا شد تا حالا یک دستجات روشنفکر و قلم‌داری، آنهایی که قلم‌هایشان و نطق‌هایشان و گفتارهایشان بر ضد اسلام است و یا خودشان نمی‌دانند و یا دانسته این کار را می‌کنند از اول این مسأله را می‌گفتند که روحانیون بروند یک کار دیگری بکنند، ماها هم می‌رویم سراغ [سیاست]. همین‌هایی که مملکت اسلام را دو دستی می‌خواهند تقدیم کنند به آنهایی که ارباب‌هایشان هستند یا آنهایی که به خیال خودشان برای ما مفید هستند. آقا، مملکت اسلام از اول ۱۵ خرداد تا حالا، بیشتر از صد هزار جمعیت از آن کشته شده است و بیشتر از صد هزار معلول ما الآن داریم. این‌ها برای چه معلول شده‌اند؟ برای چه کشته شده‌اند؟ برای نفت بوده است؟ آدم برای نفت خودش را می‌کشد؟ برای خانه بوده است؟ برای ارزانی بوده است؟ خوب، ما از تظاهرات مردم باید این‌ها را بفهمیم. همه می‌گفتند: ما اسلام را می‌خواهیم. اگر اسلام نبود، نه نفت می‌توانست هیچ کاری بکند و نه سایر چیزها. مگر مردم می‌شود جوان‌هایشان را بدهند برای نفت؟ می‌شود جوانشان را بدهند برای خانه؟ الا آنکه شما در جبهه‌های جنگ هستید و ارتشی‌های ما که خداوند نصرشان بدهد، در مراکز فعال هستند، الآن کی هست که دارد از آن‌ها پشتیبانی می‌کند؟

آن زن‌هایی که برای شما نان می‌پزند و آن مردمی که برای شما پول می‌دهند و آن مردمی که برای شما ذخیره می‌دهند و آن قدر چیزها را می‌فرستند. همین مردم مسلمانند. شما ببینید در تلویزیونتان که یک زنی که ده تا تخم مرغ آورده، دارد

می‌آورد می‌دهد همین را. یک بچه‌ای که ده تومان دارد این را می‌دهد. این‌ها برای چه این‌ها را می‌دهند؟ این‌ها برای اسلام است، برای کشور اسلامی است. چطور شماها هیچ کاری نمی‌کنید؟ اینهایی که هی نق می‌زنند، چه می‌کنند؟ چه غلطی می‌کنند؟ کدام از این‌ها رفته در جبهه؟ این نقشه است. شمایی که الان ان‌شاءالله وارد می‌شوید در ارتش و در جهات بالای ارتش، این نقشه را توجه بکنید. شما که افسر هستید، این نکته‌ها را باید توجه بکنید که می‌خواهند شما را از مردم جدا کنند، روحانیون را هم از مردم جدا کنند. بعد مردم وقتی که نه قدرت روحانی دارند و نه قدرت - عرض می‌کنم که - اسلحه‌ای دارند یک کاری بکنند، یک کودتایی بکنند، تمام کنند قضیه را. مسأله این است (همان منبع).

۳- موانع بیداری اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) در بیانات خود عوامل مختلفی را به عنوان موانع به ثمر رسیدن بیداری اسلامی برشمرده اند که به عنوان قسمت پایانی این مقاله به آنها اشاره می‌شود.

۱- تحریف اسلام و وارونگی مفاهیم دینی

با دور شدن تدریجی جوامع اسلامی از مفاهیم و آموزه‌های اصلی و اصیل اسلامی و دگرگون شدن پیام اولیه عدالت‌خواهانه اسلام، این مکتب به آرامی از بالندگی افتاد، دچار انحراف گشت و به خمودی گرایید. مفاهیم ارزشمندی از قبیل عدالت، قسط، جهاد، حج ابراهیمی، شهادت، امر معروف و... به دلیل خطرآفرین بودن برای قدرتمداران، یا به آفت تحریف دچار گشت و یا به بوته فراموشی سپرده شد؛ و به جای آن مباحثی از قبیل تقدیر و جبر، حدوث و یا قدیم بودن قرآن و مسائلی از این دست، سالها مهمترین موضوع تفکر دینی و اسلامی می‌گردد؛ توسط اینگونه مباحث دغدغه‌های دینی مردم کنترل شده و محوری برای مشغول کردن اندیشمندان گردیده است.

از طرف دیگر، تمایلات فرقه‌ای و عربی، ورود افکار و اندیشه‌های یونانی و فرهنگ غیراسلامی، الهام‌گیری از آموزش و جهان‌بینی غربی، آرمان‌های اسلامی را به انزوا کشانید. بعدها این مسائل، موجب این پندار شد که اسلام با دوره‌ی معاصر، سنخیت ندارد.

بیشتر تحصیل کرده‌ها، غافل از داشته‌ها و اندوخته‌های غنی فرهنگ اسلامی خویش، کلید توسعه و حتی نجات جامعه را در اتخاذ علوم، ارزش‌ها و فلسفه غربی دیدند. امام در دیداری که با برخی مسئولین دارد به این نکته اشاره می‌کنند که دشمنان راه نجات خود را در این دیده‌اند که یا اسلام در این کشورها نباشد و یا لاقلاً محتوا نداشته باشد. هرچند در بخش اول توفیقی نداشته‌اند، اما نسبت به بی‌محتوا کردن اسلام موفق بوده‌اند.

از این رو بسیاری از افراد که به دنبال احیای دین و تفکر دینی در جامعه بوده‌اند از بازنگری در برخی از مفاهیم کلیدی اندیشه اسلامی که پیش از آن به دلیل تعبیرهای غلط موجب ابهام و رکود شده بود شروع کردند. افرادی از قبیل سیدجمال، محمد عبده، محمد اقبال، دکتر علی شریعتی، و... به دلیل همین دریافت، چنان روشی را در سرلوحه‌ی فعالیت‌های خویش برگزیدند. امام در پاسخ به سؤال چپستی ریشه‌های انقلاب، به محتوای اصیل تشیع اشاره دارند: «سؤال: تصور می‌کنم که آنچه امروز در حیات یک جنبش توده‌ای در ایران اتفاق می‌افتد، ریشه‌هایش در یک نوع رنسانس شیعه یافت می‌شود. ممکن است شرح دهید که چه فعالیت‌ها و بحث‌ها و مبارزاتی در سی سال اخیر فعالیت شما را تشکیل داده است؟ جواب: یکی از خصلت‌های ذاتی تشیع از آغاز تاکنون مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می‌خورد، هر چند که اوج این مبارزات در بعضی از مقطع‌های زمانی بوده است. در صد سال اخیر حوادثی اتفاق افتاده است که هرکدام در جنبش امروز ملت ایران تأثیری داشته است. انقلاب مشروطیت، جنبش تنباکو و... قابل اهمیت فراوان است...».

«... اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند، دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند، مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است. اما اینها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند... برای این منظور که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند... تبلیغ کرده‌اند که اسلام دین جامعی نیست،

دین زندگی نیست، برای جامعه نظامات و قوانین ندارد. طرز حکومت و قوانین حکومتی نیآورده است. اسلام فقط احکام حیض و نفاس است، اخلاقیاتی هم دارد، اما راجع به زندگی و اداره جامعه چیزی ندارد...». همه کوشش امام در مردمی بودن حکومت و ایجاد یک نظام جمهوری از جایگاه یک اسلام‌شناس و مجتهدی اندیشه‌ور، برای بسیاری تازگی داشته و شگفت‌آور بود. آنچه او در مورد زنان و نقش آنان در جامعه، فقه حکومتی و اجتهاد، نفی تحجر و واپس‌گرایان و مقدس‌مآبان، اسلام‌پابرهنگان و... می‌اندیشید موجب طرح دوباره اسلام در صحنه حیات بشری به ویژه در جهان اسلام شدودر آن روحی تازه دمید.

«همه توطئه‌های جهان خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم: اسلام، جوابگوی جامعه است و حتما در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم» (شیبانی فر، ۱۳۸۳: ۱۸۱-۱۸۲).

۲. حکام کشورهای اسلامی

یکی از موانع در فراروی نهضت بیداری، حاکمان و سران کشورهای اسلامی است. اینان استقرار اسلام ناب را مغایر با منافع شخصی و حکومتی خود می‌پندارند. «مشکل مسلمین حکومت‌های مسلمین است. این حکومت‌ها هستند که مسلمین را به این روز رسانده‌اند...» «کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی، حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکره نیمه جان اسلام و مسلمین دارد.» «ما امید این را داریم که این نهضت ایران روشن کند مسائل را به همه ملت‌ها و روشن کرده است... ملت‌ها الان با ما هستند، اگر سر نیزه را از این ملت‌ها بردارند از عراق بردارند از - نمی‌دانم - ترکیه بردارند، همه یکصدا با ما موافقند. سرنیزه جلو را گرفته است، منت‌ها ایران سر نیزه را شکست، ایران ایستاد...». امام حکومت‌های منحرف اسلامی را عامل قدرتهای شیطانی دانسته که برای اغفال مردم از راه اسلام وارد می‌شوند (همان منبع: ۱۸۲-۱۸۳).

۳. تفرقه

برخلاف تصور برخی از سطحی‌نگران، امام وحدت را یک تاکتیک یا ابزار مصلحتی برای پیشبرد اهداف و مقاصد سیاسی انقلاب نمی‌بیند. وحدت را یک اصل اسلامی تعریف کرده و لازمه‌ی توفیق در مبارزه با دشمن اصلی و موفقیت در رهایی از وضعیت اسفبار کنونی مسلمین را در گرو همبستگی دانسته است. وی با تمام ارادتی که به اهل بیت دارد، حاضر نیست در مجالس تفرقه‌افکنانه‌ای که به عنوان حمایت از اهل بیت تشکیل می‌شود، شرکت کند. بالاتر از آن امام در پی ایجاد جبهه متحد اسلامی بود: «من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران، با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت مردم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان، با تمام وجود تلاش کنیم... ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی انسانی، با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود». دست‌های ناپاکی که به ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی می‌پردازند درصدد «محدود کردن تأثیر انقلاب اسلامی و جلوگیری از گسترش آثار آن در مناطق سنی مذهب (هم بخش‌های نفت‌خیز آن و هم کشورهای در حال نبرد با اسرائیل) بوده است». امام برای تحقق آرمان وحدت مسلمین از امکانات موجود بهره می‌جستند و در این راستا مسأله فلسطین، روز قدس و حج ابراهیمی و... را مطرح کرده‌اند (همان منبع: ۱۸۳-۱۸۴).

۴. تحجر و جمود مقدس‌نماها

امام از مقدس‌نماها به عنوان یکی از موانع شناخت و بیداری اسلامی نام می‌برد و برای گسترش اسلام ناب محمدی، شناخت این مشعل‌داران تحجر و حماقت و مبارزه با آنان را ضروری می‌داند. «... آمریکا و استکبار، در تمامی زمینه‌ها افرادی را در آستین دارند. در حوزه‌ها و در دانشگاه‌ها، مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام، اینان با تزویرشان، از درون

محتوای انقلاب و اسلام را ناپود می‌کنند. اینها با قیافه حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شر اینها به خدا پناه ببریم... امروز جهان تشنه اسلام ناب محمدی است...».

این عده با تظاهر به تعبد و زهد که از ویژگی‌های این گروه است، بزرگترین ضربه را در طول تاریخ بر پیکره دین وارد آورده‌اند. نمونه بزرگ این گروه را مارقین، در زمان حکومت حضرت علی(ع) تشکیل می‌دادند. چهره‌هایی آراسته و متظاهر به دیانت و زهد که ضربه‌ای بزرگ بر پیکر عدل گستر حکومت علی وارد آوردند. خطر این گروه را نباید کوچک شمرد. اینان به راحتی ابزار دست دشمنان اسلام واقع می‌شوند. بزرگترین ضربه‌ها را اسلام در طول تاریخ حیات خود، از این مقدس‌نماها خورده است. اینان زود فریب می‌خورند و زود تحریک می‌شوند و شایعه را به زودی قبول می‌کنند و پس از آن احساس تکلیف می‌کنند!

«... امروز جامعه مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند و به اسم اسلام به اسلام ضربه می‌زنند... روحیه و افکار خود را به نام اسلام در جامعه سرایت می‌دهند...» (همان منبع: ۱۸۴).

۵. روشنفکرانها

همانگونه که تحجر و جمود از دیدگاه امام مانع بیداری است، دلبستگی به شرق و غرب و خودباختگی در برابر آنان ملت‌ها را از نزدیک شدن به اسلام باز می‌دارد. ... امروز زمانی است که ملت‌ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آنان را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملت‌هاست. اما در مواردی به روشنفکران توصیه می‌کنند، معیار روشنفکری را، پیروی از داده‌های غربی ندانند. معرفی درست اسلام را وظیفه آنان دانسته و در استمرار یک حکومت عدل برای روشنفکران نقش اساسی قائلند. و از طرف دیگر انتقادهایی از روشنفکران دارند؛ بی‌تفاوتی نسبت به اسلام، غربگرایی، خودباختگی، بی‌اطلاعی از اسلام، بریدن از مردم از جمله مسائلی است که امام به این قشر گوشزد می‌کنند (همان منبع: ۱۸۵).

۶. آخوندهای وابسته

امام در عین حمایت کامل از روحانیت اصیل و متعهد، انتقادهای بسیار تندی از روحانی‌نماهای وابسته به دربار و قدرت دارند. امام ضمن ابراز تنفر از روحانیت غیرمهدب و متعهد، آنان را از ساواکی‌ها هم بدتر می‌دانند. اینها بهترین ابزاری هستند که خواسته یا ناخواسته مجری اهداف قرار می‌گیرند: «طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایانی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بی‌خبر آنان از آن جمله وعاظ‌السلطین که از سلاطین جور سیاه‌روی‌ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند و گریبان چاک می‌کنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند.» «... ما گرفتار بعضی اشخاص که دعوی اسلامی می‌کنند، بعضی‌ها که در راس روحانیت بعضی ممالک واقع هستند... ما را تکفیر می‌کنند... متأسفانه در لباس مفتی هستند... این کارها بر ضد اسلام و بر وفای میل ابرقدرت‌هاست... اگر چنانچه وعاظ‌السلطین بگذارند و اتحاد ما را به هم زنند، ان‌شاءالله پیروز خواهیم شد» (همان منبع: ۱۸۵).

منابع

۱. امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی(ره) (بیانات، پیامها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها، تهران، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، جلد ۱۶، ۱۵، ۱۱، ۱۰ و ۱۹.
۲. دانشیار، علیرضا، (۱۳۹۲)، نقش حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری در بیداری اسلامی و خیزش علیه نظام سلطه جهانی، سایت پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، تاریخ درج مطلب: ۱۳۹۲/۱۰/۳۰، تاریخ اخذ مطلب: ۹۳/۳/۲۸.
۳. دفتر تبلیغات اسلامی، (۱۳۸۵) انقلابی متمایز: جستارهایی در انقلاب اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴. سایت افسران جوان جنگ نرم، مولفه‌های بیداری اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره)، تاریخ درج مطلب: ۱۳۹۱/۲/۷، تاریخ اخذ مطلب: ۱۳۹۳/۳/۲۸.

۵. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تاثیر گذاری و نمونه ها) فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶، صفحات ۱۱ تا ۴۲.
۶. شیبانی فر، محمد حسن، (۱۳۸۳)، بیداری اسلامی و موانع آن در اندیشه امام خمینی (ره)، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰، صفحه ۱۷۶ تا ۱۸۶
۷. عدنان بن عبدالله (۱۳۸۶)، روزنامه راه نجات، شماره ۷۴۳، دوشنبه مورخ ۱۳۸۶/۹/۱۹.
۸. ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۹)، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نشر معارف.